

دستگیری‌های گسترده در ارتش

دریایی احترام کرد. وی ضمن تایید بازداشت تعدادی از افسران نیروی دریایی گفت: «اینها به سزای اعمال خود رسیده و خواهند رسید».

گزارشها از وقوع دستگیری‌های گسترده در میان افسران ارتش خبر می‌دهند. اما هنوز بجز سخنرانی هاشمی‌رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه از سوی جمهوری اسلامی اطلاعات دیگری منتشر نشده است. یخش زیادی از سخنرانی رفسنجانی نیز به پرونده سازی‌ها و اتهام‌زنی‌های سنتی جمهوری اسلامی در این گونه‌موارد اختصاص داشت.

برخی خبرگزاری‌ها از دستگیری تعدادی از فرماندهان سپاه پاسداران و اعدام برخی از آنان خبر داده‌اند. درمورد چندو چون این خبر، اطلاعات بیشتری دریافت نشده است.

به دنبال پخش اخباری مبنی بر اعدام چند تن از افسران نیروی دریایی در سطح تهران، هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه روز اول اردیبهشت اعلام کرد یک شبکه نظامی که در نیروی هوایی، دریایی و... نفوذ کرده بودند کشف شده است. رفسنجانی بازداشت شدگان را جاسوس آمریکا خواند و افزود این شبکه در سراسر کشور به فعالیت علیه رژیم مشغول بوده است.

رفسنجانی به روال معمول در جمهوری اسلامی به جنایت اعدام گروهی از افسران نیروی

اکثريت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) در خارج از کشور

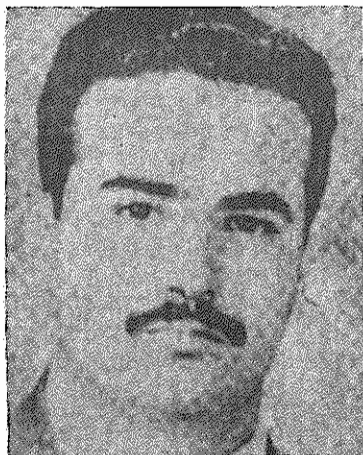
۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۸ برابر ۲۴ آوریل ۱۹۸۹
شماره ۲۵۴

ن تلاش برای تغییر قانون اساسی : جنگ قدرت پیش از مرگ خمینی

در صفحه ۳

بیژن و هم‌زمان

جاودانگان جنبش انقلابی ایران



۳۰ فروردین برای همه ما با ناگوارترین خاطره‌ها هموار است. خاطره کشتار رهبران بزرگ فدائیان به دست رژیم جنایتکار شاه. ۱۴ سال پیش در روز ۳۰ فروردین ۱۳۵۴ فدائیان خلق، رفقا بیژن جزنی، حسن ضیاءظریفی، محمد چوپانزاده، عباس سورکی، مشعوف (سعید) کلانتری، عزیز سرمدی، احمد جلیل افشار و همچنین دو تن از مجاهدین خلق: کاظم ذوالانوار و مصطفی جوان خوشدل، در تپه‌های اوین هدف رگبار گلوله‌های جلادان شاه قرار گرفتند.

فروپ همان روز، روزنامه‌های عصر، خبر این جنایت را با عنوان کشته شدن ۹ تن از زندانیان در حین فرار، درج کردند. اطلاعاتیه ساواک در روزنامه‌ها اینگونه به چاپ رسید که ۹ تن از زندانیان به هنگام نقل مکان از اتوبوس قرار گرفتند.

کارشکنی عراق مذاکرات صلح را به بن بست کشاند

۵ ماه بعد از برگزاری دور سوم مذاکرات صلح میان ایران و عراق، سرانجام دور چهارم مذاکرات مستقیم وزرای خارجه دو کشور در بعدازظهر پنج‌شنبه ۳۱ فروردین ماه در مقر اروپائی سازمان ملل متحد در ژنو آغاز شد. تدارک این دیدار از چهار هفته پیش با وساطت شخص دبیرکل سازمان ملل صورت گرفت، تصمیم به آغاز دور جدید مذاکرات در شرایطی صورت گرفت که هر دو کشور یکدیگر را متهم به کارشکنی در روند مذاکرات و نقض موافقت‌نامه می‌نمودند.

رژیم جمهوری اسلامی در شرایط بحرانی شدید اقتصادی - اجتماعی و اختلافات حاد حکومتی در دور چهارم مذاکرات شرکت می‌کند. برکناری منتظری توسط خمینی و تصفیه عناصر وابسته به وی در ارگانهای حکومتی، بقیه در صفحه ۲

در این شماره

تهران در نخستین روزهای بهار

در صفحه ۶

پای لرزان طرح بودجه جرج بوش

در صفحه ۹

۱۵ سال از انقلاب پرتقال گذشت

در صفحه ۱۰

اعتصاب غذای زندانیان

"فراکسیون ارتش سرخ"

در صفحه ۱۰

"بازار آزاد دولتی": مبارزه قاطع با گرانفروشی!

هنوز حتی روز اجرای قانون فرانرسیده بود که دولت گوشه‌ای از صحنه پر گرد و خاک این "مبارزه قاطع" را آشکار کرد: فروش کالای دولتی به قیمتی کمی کمتر از قیمت‌های بازار آزاد. بقول یکی از هم‌میهن‌انمان که حرف‌هایش در گزارش روزنامه کیهان منعکس است: "مبارزه با گرانفروشی یعنی پیوستن دولت به بازار آزاد".

کیهان ۲۱ فروردین این در حالی بود که فقط چند روز قبل از این نخست‌وزیر در جلسه هیات دولت اعلام کرده بود که در سال جاری سیاست دولت تامین کالا و تثبیت قیمت‌هاست. و البته از آنجا که او خوب می‌داند در کشور چه می‌گذرد فراموش نکرده بود اضافه کند که هر دستگامی که قیمت کالا یا خدمات خود را افزایش دهد باید دلایل کار خود را بقیه در صفحه ۳

همچنانکه در شماره ۲۵۱ نشریه "اکثريت" اطلاع دادیم قانون "تعمیرات حکومتی" پس از بحث‌های مغلص چندین ماهه در جلسات هفتگی "مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی" در بیست و سوم اسفند سال گذشته به تصویب رسید و جهت اجرا به قوه قضائیه و دولت ابلاغ شد. مطابق معمول با هم دستگاه‌های تبلیغاتی رژیم بکار افتادند و با مدد گرفتن از این بلندگوی مجلس و آن بلندگوی نماز جمعه در اعلام این قانون به عنوان اقدامی قاطع در مبارزه با گرانفروشی و احتکار از چیزی فروگذار نکردند. خط و نشانها کشیده شد، مصاحبه‌ها صورت گرفت، ستادهای مرکزی و غیر مرکزی ایجاد و اختیارات تفویض شدند اما در روز اجرای قانون نه نرخ رسمی کالایی اعلام شد، نه بازرسینی تعیین شد و صد البته نه قیمتی پایین آمد.

کارشکنی عراق مذاکرات صلح را به بن بست کشاند

بقیه از صفحه ۱

حاکمی از خوی تجاوز گرانه حاکمان بغداد دارد.

لازم به یادآوری است طبق گزارش مقامات سازمان ملل از هنگام برقراری آتش بس در مرزهای ایران و عراق تا روز دوم ژانویه ۸۸ برابر با ۱۲ دی ماه ۶۷، ۱۹۶ مورد نقض آتش بس وجود داشته که منجر به کشته شدن حداقل ۱۵ سرباز ایرانی شده است.

با توجه به چنین حساسیتی از اوضاع، بعد از نشستهای مقدماتی دبیر کل سازمان ملل با هیاتهای نمایندگی دو کشور شخص دبیر کل طی بیانیه‌ای ضمن اعلام زمان برگزاری مذاکرات مستقیم وزرای خارجه ایران و عراق خواستار شد که طرفین مذاکره برای ایجاد فضای مناسب گفتگوها از خود نهایت خویشتنداری و حسن نیت را نشان داده و از اقدامات تحریک آمیز جلوگیری نمایند.

ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی قبل از ترک تهران به مقصد ژنو گفته بود که بن بست مذاکرات تنها وقتی شکسته خواهد شد که عراق ماده اول قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل مبنی بر عقب نشینی کلیه نیروها به پشت مرزهای شناخته شده بین المللی را هر چه زودتر اجرا کند.

طارق مزین نیز در بغداد اعلام کرد که جمهوری اسلامی حامل بن بست در مذاکرات است و با مطرح کردن بهانه‌های مختلف به وقت کشی متوسل گردیده و فاقد صداقت و حسن نیت می باشد. وی همچنین در ادامه سیاستهای تجاوز گرانه حکام بغداد اظهار کرد که اگر اوضاع به همین منوال ادامه یابد، ممکن است مذاکرات با شکست کامل روبرو شود. نزار حمدون معاون وزارت خارجه عراق نیز گفته بود که بازگشت به مفاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و برقراری حاکمیت دوگانه ایران و عراق بر او ندرود و "شطالهرب" می تواند آتش جنگی دیگر را برافروزد.

با توجه به ابراز بدبینی های طرفین مذاکره و برخی محافل در رابطه با پیشرفت روند مذاکرات صلح، آقای دو کوئیار که

روز سه شنبه وارد ژنو شده بود به خبرنگاران گفت: هنوز شکاف بین ایران و عراق بسیار عمیق است ولی باید به تلاش برای ادامه روند آتش

بقیه در صفحه ۹

تلاش برای تغییر قانون اساسی:

جنگ قدرت پیش از مرگ خمینی

خواستار است که از او بخواهند تا جمعی را برای تدوین متمم قانون اساسی تعیین کند. این بدین معناست که ترکیب مجلس خبرگان بگونه ای است که مورد پسند خمینی و نیروهایی که در این مقطع مورد حمایتش هستند قرار ندارد. رفسنجانی در این زمینه در نماز جمعه روز اول اردیبهشت گفته است: "جمعی باید تعیین شود. مجلس خبرگان اول مال قانون اساسی بود، مجلس خبرگان فعلی برای تعیین رهبری بود. لذا وظیفه آن این نیست باید اگر امام اجازه دهند جمعی تعیین شود."

اکنون در جمهوری اسلامی هیچ فردی دارای شرایطی نیست که به عنوان ولی فقیه آینده و جانشین خمینی تعیین شود. به همین دلیل پس از تصمیم خمینی به برکناری منتظری، تعیین یک شورای رهبری در دستور قرار گرفته است. ترکیب این شورا مستقیماً به نحوه تعیین هیات منتخب برای بررسی تغییر قانون اساسی مربوط می شود. دیگر هر صدهای طرح شده برای تغییر قانون اساسی نیز به طور بارزی با وظیفه حل مسئله جانشینی در ارتباط است. در زمینه تغییر برخی اصول قانون اساسی "در باب قوه مجریه" مهمترین هدفی که اعلام شده افزایش اختیارات رئیس جمهور است. این افزایش حتی تا حد حذف پست نخست وزیری پیشنهاد شده است.

هاشمی رفسنجانی که از سوی "جامعه روحانیون مبارز" و همچنین "روحانیت مبارز" کاندیدای پست ریاست جمهوری شده است، بر انجام این تغییرات برای به چنگ آوردن اهرم های بیشتر قدرت تاکید دارد. او می داند که انجام این تغییرات در شرایط مرگ خمینی برای یک تاز شدن او در جنگ قدرت اهمیت کلیدی دارد. اهمیت این مساله با بذل توجه به اصل ناتوان بودن ارگان های تصمیم گیرنده شورایی در جمهوری اسلامی ملموس تر درک خواهد شد. بویژه اگر این شورا آخوندهایی با بالاترین رتبه مذهبی و سیاسی و با بالاترین حد اختلاف منافع و نظرگاه و دسته بندی را شامل شود.

روز دوشنبه ۲۸ فروردین شورای عالی قضایی جمهوری اسلامی طی نامه ای به خمینی از وی خواست تا در صورت صلاح دید، هیاتی را برای تدوین متمم ویا اصلاحیه قانون اساسی تعیین کند. روز قبل از آن نیز ۱۶۶ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی نامه ای از خمینی همین تقاضا را مطرح کردند.

در این نامه ذکر شده است که بعضی از اصول قانون اساسی در خصوص رهبری، قوای مجریه، قوای مقننه و قضائیه احتیاج به متمم و اصلاحیه دارد. در نامه نمایندگان مجلس ذکر شده است که بدون اصلاح برخی از فصول و اصول قانون اساسی "اداره کشور با مشکلات جدی مواجه خواهد بود؟" هاشمی رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه روز اول اردیبهشت خود بر این مضمون تاکید کرد که تا خمینی زنده است باید مشکل رهبری حل شود و اگر ولایت فقیه نباشد نمی توانیم تصور کنیم که چگونه این کار را بکنیم."

از اندکی پس از پذیرش قطعنامه صلح زمره تغییر قانون اساسی در محافل حکومتی آغاز شد. آن زمان تاکید بیشتر بر تغییر موادی از قانون اساسی که به نهادهای قوه مجریه و نیز اختیارات شورای نگهبان مربوط بود تاکید می شد. اینک با کنار گذاشته شدن منتظری مساله حیاتی و میرم حول امر تعیین جانشین خمینی متمرکز شده است و آنچنان مبرم که حتی خمینی آینده نظام جمهوری اسلامی را بدون آن تاریک ارزیابی کرده است.

دسته بندی و تشتت تمام تار و پود حکومت را فرا گرفته است. گرگهای حکومتی دایره وار بر قله نشسته همدیگر را می پایند. کفایت یکی چشم برهم نهاده و بویژه گرگ بزرگ بی جان شود، تا دریدن ها با سبعت تمام شروع شود. آنها خود بر این امر واقفند. از این رو به تکاپو افتاده اند تا قبل از مرگ خمینی در حد امکان مساله جانشینی وی را "حل" کنند و این خود به مهمترین قانون تمرکز جدال های حکومتیان تبدیل شده است. از خمینی خواسته شده است و یا بهتر بگوئیم خمینی

“بازار آزاد دولتی” مبارزه قاطع با گرانفروشی!

بقیه از صفحه ۱

بطور مستقیم با مردم در میان بگذارد. طبعاً اگر اقدام دولت برای رسمیت بخشیدن به قیمت‌های آزاد و سرکشی کردن دولتی مردم، مبارزه با گرانفروشی، و افزایش قیمت کالاهای دولتی کوشش دولت برای شکستن قیمت‌ها قلمداد شوند و دلیل بحساب آیند، سایر “دلایل” نیز بهمین قدر محکمه‌پسند خواهند بود. و برای دادگاه‌های انقلاب اسلامی که به جرائم پیش‌بینی شده در قانون رسیدگی می‌کنند همین کفایت خواهد کرد.

هم ندارند و هدهای هم گفته‌اند: “ما هم همین قانون را می‌خواستیم.” اینها همه در حالی است که موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور اعلام میدارد که این قانون اگر پیگیرانه دنبال شود ۲۰ درصد مساله را حل می‌کند. صرف‌نظر از اینکه همین حرف هم خیال و دورخی بیشتر نیست، اما می‌توان این نتیجه را گرفت که مسئولین رژیم رسمیت بخشیدن به قیمت در ۸۰ درصد قیمت‌های انفجاری کنونی را هدف قرار داده‌اند.

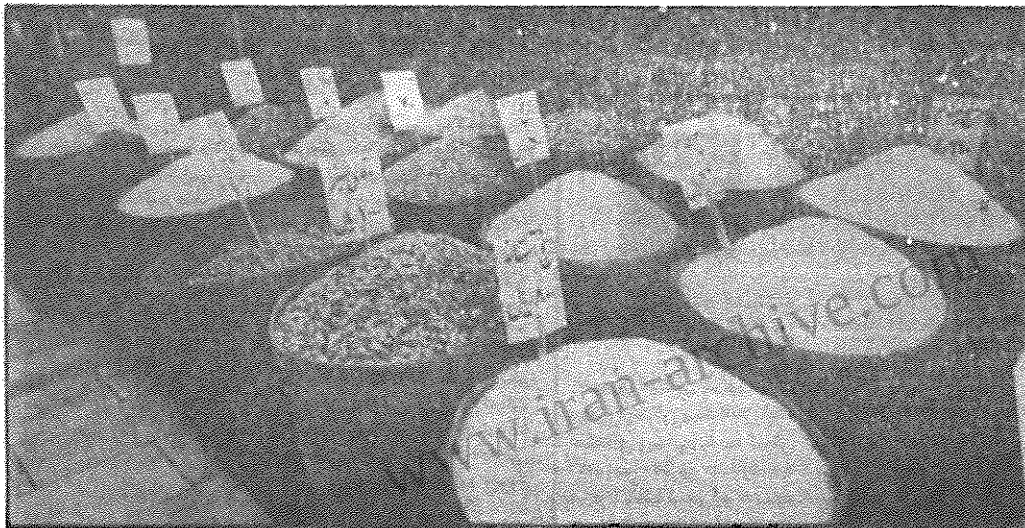
می‌کند قانونی تصویب می‌کند که طبق آن تنها خرده‌پاها هدف قرار می‌گیرند.

پیش از پاسخ به سوال، نگاهی هم به “تهدیرات حکومتی” از زاویه درگیریهای جناح‌های حکومتی بیاندازیم. این قانونی است که پیش‌برد و اجرا آن قبلاً به دولت واگذار شده بود و دولت موسوی به اتکا به آن کوشیده بود طرفداران بازار و مخالفین کنترل دولتی بر امر توزیع و قیمت‌گذاری در حکومت را تحت فشار قرار دهد. پس از متوقف شدن قانون تهدیرات حکومتی تدوین مجدد آن به

در نظام جمهوری اسلامی روال همیشگی و ثابت این بوده است که هراگان و جمعی که برای کنترل و مهار بحران و تشتت در ارگان دیگری پیش‌بینی و ایجاد شده خود به کانون بحران جدیدی تبدیل شده است. برای کنترل مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان پیش‌بینی شده است. برای کنترل شورای نگهبان و خودسری‌های آن کنترل متقابل توسط مجلس با اتکا به احکام ثانویه مطرح شد. با چاره‌ساز نشدن آن، طرح شورای مصلحت نظام برای تضعیف و مهار شورای نگهبان پدید آمد اما خود، بحران تداخل مسئولیت‌ها و وظایف را پدید آورد. به دنبال شورای مصلحت نظام جلسات مسئولین سه توه به همراه برخی از مسئولین اجرایی، طراحی شد و به اجرا درآمد و اگر هم برای رژیم باقی باشد توالی این ارگان‌های کنترل‌کننده یکدیگر همچنان وجود خواهد داشت. شورای کذایی رهبری که قرار است در قیاب خمینی بطور جمعی نقش ولایت فقیه را ایفا کند نیز به همان سرنوشت شورای مصلحت نظام دچار خواهد شد. با این تاکید که تاثیر در زیر خاک بودن خمینی نسبت به حضور فضا بود او. بر فراز چهاران در عملکرد اعضا این شورافتاوت کینی خواهد داشت.

با اتکا به شواهد بالاست که از هم اکنون چنگ‌اندازی و برنامه‌ریزی برای تصاحب ارگان‌های اجرایی و اهرم‌های قدرت باشد در جریان است. هاشمی رفسنجانی برای تصاحب پست ریاست جمهوری با اختیارات وسیع‌تر برنامه‌ریزی می‌کند، دارو دسته‌سید احمد خمینی‌ها و... تعیین عبدالله نوری به عنوان نماینده خمینی در سپاه پاسداران می‌کوشند سپاه را از چنگ رفسنجانی به درآورند. محتشمی برای پست نخست‌وزیری پیشنهاد می‌شود، سیداحمد می‌کوشد به طریقی پس از مرگ خمینی موقعیتی موروثی بیابد...

اما همه این درگیری‌ها و جنگ و جدال‌ها قبل از هر چیز بحران همیتی را که کلیت رژیم با آن دست به گریبان است بازتاب می‌دهد. این حد بحران و از هم گسیختگی حکومت ضد مردمی فقها قطعاً روندی را، خلاف آنچه که سردمداران رژیم برای آینده خود آرزو دارند تحقق خواهد بخشید.



“مجمع تشخیص مصلحت” سپرده شد که اکنون پس از بررسی و بحث‌های مفصل در جلسات متعدد آن را تصویب کرده است. این امر آئینه‌ایست که در آن کیفیت تشخیص مصلحت نظام توسط مجمع مذکور درگیریهای درونی این مجمع و درون حاکمیت بطور کلی بازتاب می‌یابد. خود این مساله که هلیبرفم فتوای خمینی دایر بر اینکه “تهدیرات حکومتی” از اختیارات دولت اسلامی است، تنظیم و تصویب این قانون به مجمع سپرده شود، خود گویای سمت و سوی آن است. خود نشانگر مصون بودن آن تشکل مافیایی در مقابل این قانون است.

هم از اینجاست که مردم، پاسخ سوال بالا را در اظهاراتشان چنین می‌دهند: “دولت گرانفروشی اول است.” ص ۵ کیهان ۱۹ فروردین آری پاسخ جز این نیست که آن تشکل شبه‌مافیایی خود مجمع مصلحت نظام است، خود دولت جمهوری اسلامی است، خود رژیم اسلامی است.

در مقاله‌ای در کیهان با این ادعا که می‌خواهد “نگاهی متفاوت به گرانی بیاندازد” اظهار شده است: نوع و شتاب سرمایه‌اندوزی کاسب‌ها و سرمایه‌دارهای ماحیتی با قوانین سرمایه‌داری آمریکا هم نه تنها جرم بلکه جنایت محسوب شود. در ردیابی عاملین اساسی گرانی فراتر از کشف یک تشکل نمی‌رود: “... یک تشکل شبه‌مافیایی که همه چیز می‌خرند و می‌فروشند، از سردخانه و کارخانه و مجتمع کشت و صنعت و اطلاعات اقتصادی، سیاسی و نظامی و محرمانه تا...” کیهان ۲۲ فروردین ۶۸ سرمایه‌داری آمریکا که تشکل‌هایش نه شبه‌مافیایی است بلکه همین مافیایی است “نوع و شتاب سرمایه‌اندوزی کاسب‌ها و سرمایه‌دارهای ما را جنایت محسوب می‌کند”، پس چگونه است که “مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی” در حق تشکلی که حتی اطلاعات سیاسی و نظامی محرمانه را هم خرید و فروش

نگاهی به نحوه قیمت‌گذاری کالاها توسط وزارت بازرگانی نیز هر چه روشن تر می‌سازد که ایجاد “بازار آزاد دولتی” تثبیت قیمت‌های آزاد “هناوین شایسته‌ای هستند که مردم ما به این مبارزه” داده‌اند. نصب برچسب قیمت بر روی کالاها اجباری اعلام شده است؛ و اقاً هم برچسب قیمت بر روی کالاها نصب شده است، اما کدام قیمت؟ همان قیمتی که قرار است با آن مبارزه شود. وزارت بازرگانی در صداست که صرف‌نظر از بعضی از کالاها که اقلیشان توسط دولت تامین و توزیع می‌شوند، فاکتور خرید و سود متعارف را مبنای قیمت‌گذاری سایر کالاها قرار دهد. گویا فقدان فاکتور خرید بوده است که تا حال حاضر امکان اساسی را برای انباشت بی‌سابقه ثروت و سرمایه‌تجار بزرگ فراهم می‌آورده است. بی‌سبب نیست که هدهای از تجار از هم اکنون متعززانه اعلام کرده‌اند که کالاهاشان را به فلان و بهمان قیمت گزاف خریده‌اند و فاکتور

نطق خمینی برای دلجویی از ارتش

در سالروز ارتش، ۲۹ فروردین ماه، خمینی طی پیامی ضمن ستایش از ارتش و دیگر نیروهای مسلح، با توطئه خواندن مبارزات حق طلبانه مردم در کردستان، گنبد و ترکمن صحرا اعلام کرد: ارتش قهرمان همچون صاعقه بر سر توطئه گران که در گوشه و کنار مرزها خواب تجزیه ایران را در سر پرورانده بودند فرو آمد و کردستان و گنبد و ترکمن صحرا گورستان کوردلان گردید. که همه اینها از افتخارات ... ارتش تهران است

وی تضعیف ارتش، سپاه و بسیج را حرام دانسته و به مسئولین و تصمیم گیرندگان دستور داد که "در هیچ شرایطی از تقویت نیروهای مسلح و بالابردن آموزشهای عقیدتی و نظامی و توسعه تخصصهای لازم و خصوصاً حرکت به طرف خودکفائی نظامی غفلت نورزند."

خمینی آماده نگه داشتن کامل کشور در زمینه فوق را برای پیشبرد سیاستهای ماجراییانه پان اسلامستی امری حیاتی توصیف نمود و گفت آموزشهای عقیدتی و اخلاقی باید مورد توجه بیشتر قرار گیرد.

این پیام در شرایطی داده شده است که موج وسیع بازداشت و دستگیری مخالفین رژیم در ارتش و دیگر نیروهای مسلح برآه افتاده است.

رفسنجانی مجدداً به زنان ایرانی اعلان جنگ داد

رفسنجانی بعد از مدتی قیبت در اجتماعات، در خطبه‌های نماز جمعه تهران ضمن اشاره به مجموعه‌ای از مسائل، به زنان جهت رعایت شئون اسلامی هشدار داد. وی اعلام کرد: مبارزه با بدحجابی مانند مبارزه با قاچاق مواد مخدر بطور طولانی ادامه خواهد یافت تا ریشه‌کن شود.

دو روز قبل از سخنرانی رفسنجانی، رئیس کمیته‌های انقلاب اسلامی طی بیانیهای که در روزنامه‌های دولتی نیز انتشار یافت به زنان در این مورد اخطار کرد. در این بیانیه آمده است: از روز جمعه هفته آینده (اول اردیبهشت) مقررات حجاب اسلامی با شدت بیشتری به اجراء گذاشته خواهد شد.

همچنین از ۸ مورد بی‌حجابی و یا بدحجابی مانند بکار بردن ماتیک یا سایه چشم، پوشیدن لباسهای تنگ، دیده شدن قسمتی از موی سر و پوشیدن جوراب نایلون نام برده شده است که مرتکبین به آن به ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شوند.

در این بیانیه به مردان نیز در زمینه خودداری از پوشیدن پیراهنهای آستین کوتاه و یا لباسهای خوشبوخت اخطار گردیده است.

۳۷ تن دیگر در ملاعام به دار آویخته شدند

بدنای اعدامهای چندماهه اخیر قاچاقچیان، جمهوری اسلامی در سه نوبت ۳۷ تن دیگر را بجرم قاچاق مواد مخدر در ملاعام به دار آویخت. جمهوری اسلامی در روز ۲۶ فروردین ۹ نفر را در شهرهای گنبد، شیراز و آباد و در روز ۲۹ فروردین ۵ نفر را در شهرهای بیرجند، قائن، تربت حیدریه، بجستان، سنقر کلپایی و خرم آباد و در روز ۲ اردیبهشت ۲۸ نفر را در شهرهای سبزوار، اسفراین، گنبد، اسدآباد، مهدان و زاهدان اعدام نموده است. در چندماهه اخیر با اجراء قانون جدید مبارزه با مواد مخدر بر اساس اعلانهای رسمی تاکنون ۴۱۶ نفر اعدام شده‌اند و اکثر این اعدامها در ملاعام صورت گرفته است.

اعدام انسان‌هایی که رژیم خمینی به اتهام قاچاق مواد مخدر در ملاعام صورت می‌دهد، موج نفرت عظیم و تأثیرات روانی مخربی را در سطح جامعه ایجاد کرده است. در اسفند ماه در یک روز که جمع کثیری به اتهام قاچاق در ملاعام به دار آویخته شدند تقریباً شهر تهران بحالت تعطیل درآمد. مردم بهت زده و پریشان شاهد مرگ آفرینی جنایتکارانه رژیم خمینی بودند.

ایجاد مراکز اطلاعاتی کامپیوتری

هلی اکبر رحمانی معاون وزیر کشور جمهوری اسلامی و سرپرست سازمان ثبت احوال طی یک مصاحبه اعلام نمود که متولدين سالهای ۱۳۵۳ لغایت ۱۳۵۵ تا ۳۱ شهریور ماه سال و متولدين ۱۳۵۶ لغایت ۱۳۵۷ تا پایان سال جاری برای تعویض شناسنامه‌های خود مهلت دارند.

وی همچنین گفت متولدين سال ۱۳۵۳ باید هر چه زودتر برای تعویض شناسنامه اقدام کنند.

رحمانی در این مصاحبه افزود: مهلت تعویض شناسنامه‌های متولدين ذکور ۱۳۳۸ لغایت ۱۳۴۵ پایان یافته و به هیچ عنوان تمدید نمی‌شود.

ضمناً در ارتباط با ایجاد مراکز کامپیوتری اطلاعات جمعیتی، سرپرست سازمان ثبت احوال گفت که در سال ۶۸ قرار است سایت پایگاه اطلاعات جمعیتی و نصب کامپیوترها در نیمه دوم سال جاری تمام شود تاگردش اطلاعات در کشور سرعت چشم‌گیری پیدا کند. علاوه برآن دفتر طرح مکانیزه که در آینده به معاونت مراکز کامپیوتری تبدیل می‌شود در تهران و شهرستان‌ها بوجود می‌آیند. لازم به یادآوری است که تأکید رژیم بر تغییر شناسنامه‌ها و ایجاد مراکز اطلاعاتی کامپیوتری در مورد افراد در سطح کشور در جهت گسترش شبکه کنترل امنیتی و بالابردن توان سرکوب رژیم می‌باشد.

بازگشت سفیر حکومت اسلامی به پرتغال

در پی هادی شدن مناسبات دیپلماتیک کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا و حکومت اسلامی، جانبخش مظفری سفیر جمهوری اسلامی در پرتغال از اوائل هفته گذشته به لیسبون پایتخت این کشور بازگشت. همچنین در تهران اعلام گردید "ترومن" کاردار آلمان غربی در تهران روز هجده فروردین برای ادامه فعالیت در سفارت این کشور به تهران بازگشته است. بعد از اعلام بازگشت سفرای کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا تنها فرانسه است که هنوز سفیر خود را به تهران اعزام نکرده است.

محمد جواد لاریجانی دستگیر شد

بر اساس گزارش برخی محافل و خبرگزاری‌ها "محمد جواد لاریجانی معاون پیشین وزارت امور خارجه حکومت اسلامی در امور اروپا و آمریکا که چهار هفته پیش استعفا داده بود بجرم جاسوسی برای انگلستان بازداشت گردیده است."

"باختران" کرمانشاه باقی ماند

در پی اعتراضات متعدد مردم شهر کرمانشاه نسبت به تغییر نام این شهر به باختران، خامنه‌ای که چندی پیش از کرمانشاه بازدید می‌کرده مجبور شد در اجتماع جمعی از مردم این شهر اعلام نماید که از این پس مردم می‌توانند به جای نام "باختران"، نام قدیمی این شهر یعنی کرمانشاه را نیز بکار ببرند و ادارات دولتی نیز می‌توانند هم نام باختران و هم نام کرمانشاه را در مکاتبات دولتی استفاده نمایند. وی در سخنان خود گفت:

نام کرمانشاه به هیچ وجه در ارتباط با خاندان پهلوی نبوده و نام این شهر قدیمی از دوران ساسانی گرفته شده است ... و نباید گذاشت برخی افراد سودجو احساسات مردم را در جهت پیشبرد مقاصد خود تحریک نمایند.

تحويل هلی کوپتر به حزب الله لبنان

روزنامه "کل العرب" و یک روزنامه دیگر لبنانی اعلام کردند که سازمان حزب الله لبنان توسط جمهوری اسلامی به چهار هلی کوپتر ساخت چین مجهز شده است. هزینه خرید این هلی کوپترها را حکومت اسلامی همدهدار گردیده است. گفته می‌شود که این هلی کوپترها را در جنوب بیروت مخفی کرده‌اند.

بیژن و هم‌زمان جاودانگان جنبش انقلابی ایران

بقیه از صفحه ۱

به مناسبت چهار دهمین سالروز فاجعه کشتار
رفیق بیژن جزنی و یارانش

رفیق حسن ضیاطرینی



رفیق عباس سورکی



رفیق مشعوف
(سعید کلانتری)



رفیق هزیز سمرمدی

دیوار صعود کرد، وقتی آرنجش لبه دیوار را لمس کرده سر به سریت خود را به پشت خرپشته انداخت. نظری به دوروبر اوضاع میزان است، علامت برای صعود رفیق بعدی. مرحله اول با موفقیت به انجام رسیده است. تنفسی و بررسی اوضاع، ادامه نقشه: طناب به قلاب و قلاب بر خرپشته. سعیده پائین به حیاط بزرگ زندان قصر رفته و پشت درختی پنهان شده است. دقایقی می‌گذرد. علامت. علامت. اما نفر بعدی نمی‌آید. رفیق عباس سورکی در بالای بام به حمله قلبی دچار شده و کار متوقف می‌شود. سعید برای بازگشت کوشش می‌کند. نگهبان زندان انگار با پوستش حرکت هایی را احساس می‌کند. صدای صدای نگهبان: ای...ست! ای...ست!

صدای گرمب گرمب پای نگهبانان بر پشت بام زندان، مارا از هدم موفقیت طرح باخبر می‌کند. صدای برهم خوردن درهای آهنی، یورش پلیس، سرشماری مجدد، به هم ریختن اثاثیه زندانیان. خوشونت! خوشونت! خوشونت! در زندان حرکت اعتراضی تازه‌ای در مقابله با فشارهای جدید زندانبانان سازمان داده می‌شود. اعتصاب غذا! ابتدا توسط افراد گروه و سپس با همراهی زندانیان دیگر اعتصاب غذای ۳۸ نفره‌ای شکل می‌گیرد. دوازده روز مبارزه جمعی در درون زندان، دوازده روز اتحاد شورانگیز زندانیان برای هادی کردن اوضاع منجر به مذاکراتی با مقامات زندان می‌شود و بالاخره وضعیت هادی برقرار می‌گردد.

بیژن و رفقای گروه دیگر در زندان قصر نبودند. مدتی از آنها بی‌خبر بودیم و چندی بعد خبر تبعیدشان به زندانهای شهرهای مختلف به گوشمان رسید؛ هزیز به زندان برازجان. بیژن به زندان قم و سعید، بندر عباس و...

چند سال بعد، در بهار سال ۵۴... " ... اینک دیرگاهی است که رژیم خودکامه دیگری بر گرده مردم سوار است و گوی خلق را می‌نشارد. دیرگاهی است که زندانها به خون بیژن ها و هزیزها آغشته است.

در کشتار قهرمانان اسیر، چندان که شاه را ثمری نیفتاد، حاصلی برای این رژیم پوسیده نیز نخواهد داشت. آینده از آن جزنی ها، اشرف ها و انوش ها است.

رفیق احمد جلیل افشار

چهار تن از رفقا (عباس سورکی، سعید کلانتری، محمد چوپانزاده، هزیز سمرمدی) بر اجرای نقشه فرار تاکید داشتند و نتیجه بحث و بررسی این شد که نقشه فرار به اجرا درآید اما در صورت هدم موفقیت در مرحله نخست، بلافاصله عقب نشینی صورت گیرد.

ساعت یازده شب بود. به همه افراد گروه برای اجرای نقشه آماده باش داده شد. سلولهای زندان در تاریکی فرو رفته بود. چراغ راهرو اصلی زندان، سوسو می‌زد. سکوت، سکوت پرمعنائی بود. تاریکی بر حجم زندان سنگینی می‌کرد. سعید قفل در آهنی رویه حیاط را باز کرد. دوهیچار

رفیق به نرمی به حیاط سه گوش پا گذاشتند. در انتهای سالن دو تن دیگر از رفقا مطابق برنامه، پاسبان اکبری، نگهبان زندان را به حرف گرفته بودند؛ و این فرصت خوبی بود تا جفت در سبز آهنی، توسط رفیق دیگری از داخل بسته شود. یک رفیق دیگر طناب ها و قلاب ها را از پنجره به چهار رفیقی که حالا دیگر درون حیاط قرار گرفته بودند، داد.

حیاط سه گوش در تاریکی مرموزی فرو رفته بود. اجرای مرحله اول فرار ادامه آن شروع شد: استارپوست دست و صورت با دوده، سریدن آرام آرام به کنج کور حیاط، پرتاب قلاب به نوک دیوار، محکم کردن طناب، علامت صعود برای یک نفر.

اولین صعود از همه مشکل تر بود. اولی که به نوک

به زندان قصر در پائیز ۴۷، به این نتیجه رسیدند که پس از دادگاه به زندانهای شهرهای دور افتاده تبعید خواهند شد. پس طرح های مختلف فرار را بررسی کردند و سرانجام، طرحی که می توانست رهبری و در صورت امکان، تعداد بیشتری از زندانیان را موفق به فرار کند مورد موافقت قرار گرفت. تقسیم کار برای جمع آوری اطلاعات و تهیه وسایل فرار و اختفای آن انجام شد.

این تصمیم رفقا همزمان بود با یکی از موفقیت های مبارزات صنفی درون زندان، زندانیان سیاسی زندان قصر مسئولین زندان را واداشته بودند تا به ساختن حمام در داخل زندان و زمین والیبال در حیاط شماره ۳ تن در دهند. شرایط تازه ای که به سبب کار ساختمانی در درون زندان به وجود آمده بود این امکان را برای رفقا فراهم می ساخت تا اطلاعات مربوط به فرار را بهتر بررسی و ابزار و وسایل فرار را با مشکلات کمتری تهیه کنند.

برای تدارک فرار از زندان دوره ای سه ماهه در نظر گرفته شده بود، پیشرفت کار، هفته ای یک بار توسط گروه مورد بررسی قرار می گرفت و... سرانجام نقشه و وسایل فرار تکمیل شد، مرحله ای از فرار عملی تشخیص داده شد و بخشی از نقشه با توجه به نگهبانی شدید زندان، غیر ممکن و بخش دیگری همراه با مخاطرات بسیار جدی ارزیابی گردید.

اقدام به فرار کرده و هدف گلوله های زندانبانان قرار گرفتند. ساواک شاه برای اینکه دروغ خود را طبیعی جلوه دهد این خبر را هم در نوشته ای که به روزنامه ها داده بود اضافه کرد: یک مامور پلیس نیز که به شدت مجروح شده بود به بیمارستان منتقل گردید.

پس از انقلاب بهمن، وقتی تهرانی جلاد، سرباز جو و شکنجه گر ساواک به محاکمه کشیده شد، در اعترافات وحشتناک خود از چگونگی اجرای توطئه قتل بیژن و همزمانش پرده برداشت.

تهرانی اعتراف کرد که بر اساس تصمیم مقامات ساواک و تأیید شخص شاه و با هدف درهم کوبیدن مقاومت انقلابیون و محروم کردن جنبش از رهبران آن، بیژن و همزمانش را به قتل رسانده است.

در مورد بیژن و گروهی که به گروه بیژن معروف بود تاکنون نوشته هایی بسیار در نشریات سیاسی ایران درج گردیده است، این بار اما می خواهیم این حماسه سازان را از زاویه ای تازه و خاطره یکی از همزمانشان بشناسیم:

"وقتی بیژن و همزمانش را به زندان قصر شماره ۳ (حیاط سه گوش) بردند، ورودیشان به زندان تحمک تازه ای داد. مبارزه برای کسب امکانات حقوقی، رفاهی، مبارزه برای پایین آوردن جو خفقان در دادگاه، کوشش برای بهتر شدن روابط زندانیان با یکدیگر و... از دستاوردهایی بود که حضور رفقا در مبارزات زندانیان به همراه داشت. رفقا در همان اوایل ورودشان

گزارشی از دیدها و شنیده‌ها در تهران خمینی زده

تهران در نخستین روزهای بهار

گزارش زیر را یک رفیق فدائی برای ما ارسال داشته است. وی بر خوردهای خود با افراد مختلف و مشاهده‌اش را در قالب یک گزارش به روی کاغذ آورده است که هینا درج میشود:

می‌دهد مردم باید بدانند خرید و فروش دلار دست دولت نیست و طبیعتاً کنترل آن هم نمی‌تواند به همه ماباشد. آنجا که های ۲۰ میلیون تومانی، ۵۰ میلیون تومانی، و حتی ۱۰۰ میلیون تومانی وارد بازار می‌کنند، دلار و سکه را جمع کرده و دور روز بعد با چند تومان بالاتر دوباره وارد بازار می‌نمایند. به آقای نخست وزیر انگار نخست وزیر کشور دیگری است. دلار روبه گرانی است. حذف منتظری، درگیری در جبهه ها و هر حادثه تشنج زایی روی قیمت دلار اثر می‌گذارد، دونه‌ها بام صحت می‌کنند، اولی‌شنیده‌ای در شلمچه درگیری شده بین ایرانیها و عراقیها و چند تیر شلیک شده؟ دومی: هر تیری برای مردم ما و عراق چند دلار تمام می‌شود؟

خانم مریضی برای خرید دلار به چهارراه آمده از فردی که داد می‌کشد سکه و دلار خریداریم می‌پرسد آقا دلار چند؟ وی جواب می‌دهد با امتیاز ۱۱۷/۵ تومان، خانم با بی‌حالی جواب می‌دهد خدا همش را قطع کند، فروشنده هصبانی می‌شود و می‌گوید یعنی چی خانم، من چی کنم، می‌خواهی بخر و نمی‌خواهی بخر، خانم جواب می‌دهد، آقا با شما نبودم گفتم خدا هم این پیرکفتار را کم کند و فروشنده می‌گوید خدا از دهانت بشنود خانم، معذرت می‌خواهم، متوجه نشدم، به میدان آزادی می‌رویم هدهای جوان بیکار شب در ترمینال می‌خوانند و صبح بلیط برای نقاط مختلف می‌خرند و بعد در بازار آزادی که به منظور فروش این بلیط‌های اتوبوس تشکیل شده بفروش می‌رسانند، در چند متری ترمینال بلیط آزاد بفروش می‌رسد: آقا مشهد چند؟ ۴۵۰ تومان، چند نفری؟ ۲ نفر، ۹۰۰ تومان میشود. یک نفر که می‌گوید بخدا

سراف یک جفت نوار که در یک الیوم با نام حافظه به مناسبت ۵۰ سال بعد از حافظه بسته بندی شده است. فروشنده می‌گوید این کاست‌ها از طرف رادیو و تلویزیون بیرون داده شده ولی وزارت ارشاد مخالف است و آنها را تایید نکرده، بفیل دست‌های او جواب می‌دهد وزارت ارشاد با حافظه مخالف است و می‌خندد.

به چهارراه استانبول می‌رویم، بورس سکه، دلار، مارک و بقیه پولهای خارجی، هدهای که از طرف صراف‌های میدان فردوسی تا چهارراه استانبول به کار گرفته شده‌اند همه جا حضور دارند. سراسر پیاده‌رو از ساختمان پلاسکو تا سهراب منوچهری مملو از این افراد است همه تپیی در این بین دیده می‌شود دبیر، کارمند بانک، کارمند دولت، دیپلمه بیکار، دانشجو، مهندس، بازنشسته، دانش‌آموز و افغانی.

وقتی در پیاده‌رو راه می‌روی جلویت را می‌گیرند آقا فروشنده‌ای، ۱۱۷ تومانش را بدم، سکه داری ۱۲۴۰۰ تومان و... دلار و سکه خریداریم، مارک خریداریم، امتیاز پاسپورتی خریداریم، پسری با عجله رد می‌شود ۲۰۰۰ دلار با امتیاز خریداریم فوراً. و یک نفر می‌گوید چند می‌خری و خریدار جواب می‌دهد ۱۱۷ تومان و ۲ ریال فروشنده فوراً دست خریدار را می‌گیرد و می‌برد داخل یک پاساژ و می‌گوید ماشین حساب داری و حساب می‌کند و پولها رد و بدل می‌شود.

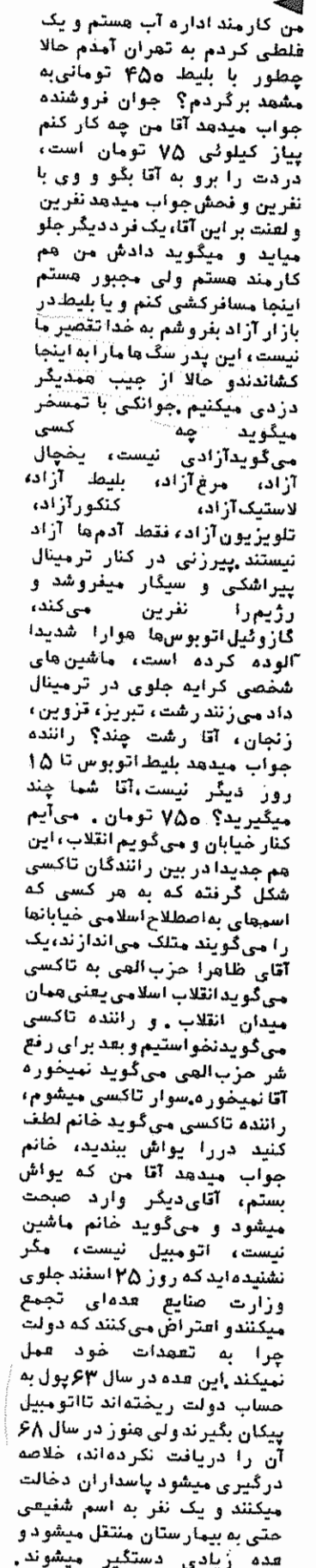
فروشنده و خریدار یعنی دلالت از طرف صراف‌ها اجیر شده‌اند والا یک دبیر و یا کارمند سرمایه خرید و فروش ارز را ندارد. نخست وزیر با اطلاعات مصاحبه می‌کند، خبرنگار می‌گوید چرا سکه و دلار را دولت کنترل نمی‌کند، موسوی جواب

جواب می‌دهد احتیاج به حداقل ۱۰۰۰۰ تومان سرمایه داری، در ضمن باید کوپن تقلبی و غیر تقلبی را هم شناسایی بقیه‌اش با فریاد کوپن خریداریم درست می‌شود و اضافه می‌کند سیگار هم بگذار جیب، می‌توانی سیگار هم بفروشی.

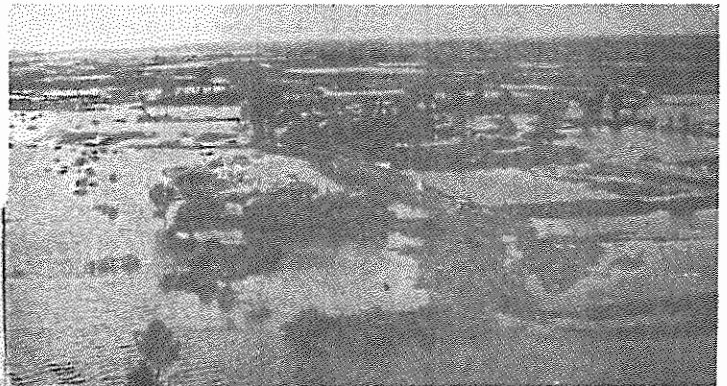
کنار خیابان به سمت میدان آزادی ایستاده‌ام جوانی داد می‌زند تاکسی آزادی، راننده تاکسی جواب می‌دهد نداریم، پشت مینی‌بوس‌های خاک‌پشت آنها با انگشت نوشته شده سالهای دور از آزادی، سالهای دور از لاسیتیک، سالهای دور از لوازم یدکی، سالهای دور از یاران و... این جمله از عنوان فیلم سالهای دور از خانه و یا او شین گرفته شده. سراف کتابفروشی‌ها می‌رویم، کتاب هم بسیار گران شده، آقایی مراجعه می‌کند و می‌گوید می‌خواهم کتابخانه پسر را بفروشم، کتابفروش با لبخند می‌پرسد پسران می‌دانند این کتابها را می‌فروشید؟ آقای فروشنده جواب می‌دهد نه آقا و اشک چشمهایش را می‌گیرد و بعد ادامه می‌دهد هیچوقت نخواهد زمین نوآباد، گارد جوان، اقتصاد سیاسی و... دیده می‌شود. باینکه سرکوب و وحشیگری رژیم در اوج است ولی مردم بر مطالعه کتاب‌های خوب و جستجو برای پیدا کردن کتاب‌هایی که رژیم خرید آنها را جریم می‌داند و سیاه‌مشتاق هستند، کتاب انقلاب دوم روسیه، پرسترویکا چاپ چهارم ۱۲۰۰۰ تیراژ تمام شده و در بازار آزاد ۳۰۰ تا ۴۰۰ تومان به فروش می‌رسد کتاب فوق با قیمت ۴۰ تومان وارد بازار می‌شود. نوارهای کاست مختلف به چشم می‌خورد در مورد نوارها هم در رژیم اختلاف وجود دارد، می‌روم

گرانی و تورم، بی‌سابقه و فاجعه‌انگیز است، همه‌ترین موضوع مورد بحث در دید و بازدیدهای هید گرانی و حشمتاک و جنگ قدرت در رژیم است، خوراک، پوشاک، لوازم التحریر، لوازم یدکی ماشین، مصالح ساختمانی، بلیط اتوبوس، کرایه وسایل نقلیه، اجاره، سنگ قبر،... گرانی حدود ۷۵ درصد می‌شناسد، به سراف قیمت‌ها می‌رویم پیاپی ۷۵ تومان، سبب زمینی ۵۵ تومان، برنج تایلندی کیلویی ۱۳۰ تومان، روغن نباتی کیلویی ۱۲۰ تومان، کره کیلویی ۲۵۰ تومان و تازه اقلب مواد خوراکی با کیفیت پایین هر ضعی می‌شوند، روغن نباتی بودار، برنج شکسته و خرد تایلندی، کره تند بسته‌بندی،... اجناس موجود اقلب توسط جوانان بیکار که برای آوردن جنس به ترکیه و دوبی می‌روند، وارد کشور می‌شود. از ترکیه شکر، روغن، لباس، از دوبی تلویزیون، کامپیوتر و... بازار پوشاک داغ است، تقریباً همه نوع لباس یافت می‌شود. ولی کمتر کسی سراف لباسهای مد جدید می‌رود، پیراهن ساده مردانه ۷۰۰-۵۰۰ تومان، کفش ساده مردانه حداقل ۶۰۰ تومان، کت و شلوار ساده ۷۵۰۰ تومان، یک شلوار جین بچگانه ۱۵۰۰ تومان، اجناس خارجی بسیار گران هر ضعی می‌شوند. سراف لوازم یدکی برویم یک جفت لاسیتیک پیکان ۱۷ هزار تومان، صفحه کلاچ ۷۵۰۰ تومان، خلاصه یک تعمیر موتور بیش از ۲۰۰۰۰ تومان تمام میشود، یاد رفت از شیرینی و آجیل بگویم آجیل کیلویی ۱۴۰۰ تومان و شیرینی حداقل ۲۵۰۰ تومان.

سراف شهر برویم میدان انقلاب رفت و آمد مردم در خیابان توسط سربازان وظیفه که در اداره راهنمایی خدمت می‌کنند کنترل می‌شود، میدان کمی آرام‌تر به نظر می‌رسد، صدای کوپن خریداریم به گوش می‌رسد. در پیاده‌رو جلوی سینماهای میدان هستیم، پسر جوانی حداکثر ۲۰ ساله که سیگار زیر لب دارد می‌گوید کوپن خریداریم، اعلام شده، اعلام شده خریداریم، کارگری، کارمندی خریداریم، کوپن بنزین خریداریم و... شمار این جوانان در پیاده‌رو به دهها می‌رسد، اقلب کارگران فصلی هستند، جوانی با لهجه آذری پیش می‌آید، می‌گویم اگر من بخواهم اینجا کار بکنم باید چکار بکنم؟



همه هستی‌شان را سیل به تاراج برده است. و این بازمانده هستی یک روستاست. چند فانوس، چند پارچه ظرف، تعدادی رختخواب، و دیگر هیچ. این گوشه‌ای است از تلاش سیل‌زدگان سیستان برای نجات بازمانده هستی خویش.



خاک شور بسته مزارع و روستاهای فقرزده سیستان را به یکباره سیل فراگرفته است. خانه‌های اکثر روستائیان سیستان در سیل عظیم ویران شد. بسیاری از روستاها را آب فراگرفت و بسیاری مزارع در گل ولای سیل مدفون شد.

جمهوری اسلامی می‌کوشد تا مسئولیت این ویرانگری به گردن "اشتباهات و ندانم‌کارها"ی برخی از مسئولین بیندازد.

مسئول این خسارت‌ها جمهوری اسلامی است

جمهوری اسلامی است که ثروت‌های ملی ما را همچنان به کام فروشندگان و دلالان اسلحه می‌ریزد. مسئول، رژیم خمینی است که اقتصاد کشور را به نابودی کشانده است.

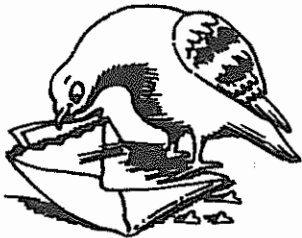
نه! مسئول این ویرانگری‌ها طبیعت نیست. مسئول این‌ها مسئولین قارتگر و فاسد جمهوری اسلامی هستند که ثروت‌های ملی ما را تاراج می‌کنند. و چه تاراجی که حتی از کمک‌های نقدی مردم به سیل‌زدگان نکرده‌اند!

هستی را برد، سیل بسیاری را کشت. اما امروز با این پیشرفتهای علمی و فنی، با توانایی انسان امروز در مهار طبیعت و سوانح آن آیا میتوان مسئولیت این بی‌خانم‌نیاها، ویرانی‌ها و کشتار را به گردن طبیعت انداخت؟ نه! هرگز! مسئول این تیره روزی‌ها آنها هستند که سالها بطور رسمی بودجه‌هایی را که باید صرف عمران و آبادانی شهرها و روستاهای فقرزده ایران شود، صرف هزینه‌های جنگ کرده‌اند. مسئول این تیره‌روزی‌ها

میسازد، فاجعه‌ای عظیم تر از پیش به وقوع پیوست. سیل ویران کرد. سیل بی‌خانمان کرد. سیل همه

سیل در سیستان فقرزده فاجعه به بار آورد. در سرزمینی که امروز فقر و گرسنگی فاجعه

گوهردشت انجام گرفته است. دختری به اسم آذر که به گفته خانواده‌اش از رهبران اعتصاب بوده در زندان قزل‌حصار بوده در زندان قزل‌حصار اعدام شده است. رستم زاده، اوستی، باغبان از جمله اسامی اعدام‌شدگان بود که در جمع خانواده‌های حاضر در گورستان شنیده می‌شد.



بازداشت شده است و وی از بیت منتظری بوده، رژیم حالت جنون پیدا کرده خبر اعدام بیش از ۴۰ نفر از اعضای بالای سپاه که با نوری نماینده جدید خمینی بیعت نکرده‌اند در شهر پیچیده، اعدام زندانیان سیاسی هم هنوز ادامه دارد. در اولین جمعه ۱۳۶۸ یعنی ۴ فروردین ۱۰۰ جسد به گورستان زندانیان سیاسی در پشت گورستان بهشت سکینه در جاده قزوین - کرج منتقل شده است، خانواده‌های آنها با هم به گورستان آمده‌اند، سنگ قبر و ۲ نفر برای گذاشتن سنگ قبرها، شیون وزاری سطح گورستان را فراگرفته است. اعدام‌ها در زندان قزل‌حصار و یا

بخشنامه شده عکس‌وی را بردارند. البته هنوز در جاهایی روی دیوارها مانده است مثل شعارهای مربوط به جنگ مثلا در خیابان پیروزی روی سا ختمان عظیمی که کمیته ستاد خود را به آنجا منتقل کرده است بزرگ نوشته شده "قبول صلح خیانت به اسلام است" امام خمینی و هنوز این شعار دست‌نخورده است.

همه‌جا صحبت از منتظری است، در صف ثانویستی هستم شاطر می‌گوید، آقا آن که اسمش را هم هوش کرده بود و گذاشته بود منصرفی، یک خانمی که در جلوی صف خانم‌ها ایستاده می‌گوید مگر اکبر شاه (رفسنجانی) مرده که وی بخواهد رهبر شود. خبر درگیری در قم در تهران پیچیده، وضعیت بسیار متشنج است مردم منتظر همه چیز هستند حتی یک کودتا توسط سپاه، کودتای جناحی علیه جناح دیگر، ضربه شدیدی به ثبات جمهوری اسلامی خورده، شایع شده که لاریجانی معاون وزیر امور خارجه پس از استعفا

تهران

در نخستین روزهای بهار

بقیه از صفحه ۷

چنین کشتار کرده‌اند و مردم را چنین زجر کش می‌کنند، خمینی مرگت باد.

اخبار ساعت ۸/۵ خبر استعفا و یا بهتر بگویم به کنار گذاشتن منتظری را پخش می‌کند و فردا صبح که از خانه بیرون می‌آیم و به شهر می‌روم دیگر از عکس‌بزرگ منتظری در پشت ساختمان جهاد در میدان فاطمی خبری نیست روی آن را رنگ آبی زده‌اند، در خیابان انقلاب روی عکس منتظری کنار سینما آفریقا رنگ سفید زده‌اند، داخل بانک می‌روم تا کارم را انجام دهم به رئیس بانک تلفن زده می‌شود، رئیس بانک که گوشی تلفن را در دست دارد اطراف را نگاه می‌کند و می‌گوید نه خوشبختانه نداریم، منظور وی عکس منتظری است به همه‌جا

کمک‌های مالی رسیده

نیکه‌ازین برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی ۸۱۸ مارک
باکد یه یادر فیق رحیم اسداللمی ۳۲۷۵ مارک تبر پستی
از فنلاند ۱۰۰ مارک
رفیق "س" از بلغراد. یوگسلاوی کمک به واحدهای فدائی داخل کشور ۵۰ دلار

پای لوزان طرح بودجه جرج بوش

از زمان انتخاب جرج بوش به سمت ریاست جمهوری آمریکا تاکنون، حرکت فعال و زنده‌ای از سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا مشاهده نشده است. در همین رابطه است که میخائیل گاریاچف در سفرانی خویش در لندن از این تامل دولت آمریکا برای پاسخگویی به مسائل جهانی ابراز نگرانی کرد. با این وجود می‌توان برداشتن گام‌هایی به پس نسبت به مواضع عقب مانده در زمان ریگان و تقویت رویه اعمال زور در سیاست خارجی را مشاهده کرد. بودجه ارائه شده از جانب جرج بوش به کنگره آمریکا نشان می‌دهد که همین واپس‌نشینی و تقویت گرایش ضد مردمی در سیاست داخلی نیز چشم می‌خورد.

طرح بودجه ارائه شده به کنگره اکنون از کمیسیون‌های مختلف کنترل گذشته و تا اول ماه اکتبر سال جاری باید مورد تصویب قرار گیرد. این طرح قرار است در یک برنامه مرحله‌ای کسر بودجه ایجاد شده توسط دولت ریگان را کاهش داده، توازن را تا سال ۱۹۹۳ برقرار سازد. بوش در طرح خود برای سال مالی ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۰ کسر بودجه را در حد ۹۱/۵ میلیارد دلار محاسبه کرده است. در مطبوعات آمریکا به این رقم با احتیاط برخورد شد و گفته شد بوش با دقت لازم توضیح نمی‌دهد و نمی‌گوید در چه زمینه‌هایی می‌خواهد به صرفه‌جویی دست زند. "وال استریت ژورنال" نوشت: بوش همان راهی را طی می‌کند که ریگان به نمایش گذاشت: مخفی کردن کسری بودجه در

پشت رقم‌ها!

بوش در مبارزه انتخاباتی وعده کرده بود بدون افزایش مالیات‌ها و کاهش بودجه نظامی و همچنین بدون کاهش بودجه تامین رفاه اجتماعی ۵۰ برنامه جدید از جمله مبارزه با وضع فلاکت بار رفاه اجتماعی، مبارزه با اعتیاد و مواد مخدر، مبارزه با بی‌خانمانی و بهبود وضع آموزش را پیش برد. درآمد دولت در سال مالی ۱۹۸۹، ۹۷۵/۵ میلیارد دلار خواهد بود که براساس پیش‌بینی‌های اقتصادی در سال ۱۹۹۰، ۸۸۰ میلیارد دلار افزایش خواهد داشت. در حالی که هزینه‌ها که در سال جاری ۱۱۳۷ میلیارد دلار هستند، در سال آینده با در نظرگیری صرفه‌جویی‌ها و هدم افزایش هزینه‌های جاری و تنظیم دقیق برنامه‌های جدید، تنها ۱۸ میلیارد دلار افزایش خواهد داشت یعنی به حد ۱۱۵۵ میلیارد دلار خواهد رسید.

پیش از هر چه سوبسید بر محصولات کشاورزی، بودجه اختصاصی برای وسایل نقلیه عمومی، پست و نظام بهداشتی کاهش خواهند یافت. در نظر است بودجه حمایت از خانواده نیز کاهش یابد. حقوق بازنگستگی کارمندان بخش عمومی از این پس با رشد تورم افزایش نخواهند یافت. در همین حال بوش درباره هدم افزایش بودجه نظامی گفت: "این عدم افزایش تنها برای یکسال خواهد بود. پس از آن افزایش بودجه نظامی اجباری خواهد بود... من قدرت آمریکارا به خطر نخواهم انداخت."

نکات ضعف طرح بودجه در زمینه‌ها به آسانی قابل مشاهده هستند. این نکات ضعف هم

صرفه‌جویی‌ها و کاهش‌ها را شامل می‌شود و هم محاسبه درآمدها را. درآمدها بر اساس واقعیات رشد اقتصادی محاسبه نشده‌اند. به عنوان نمونه در محاسبه از این فرض حرکت می‌شود که اقتصاد آمریکا تا سال ۱۹۹۲ رشدی ۳/۲ و ۳/۵ درصد داشته باشد و درآمدی مالیاتی معادل ۴۰۰۰ میلیارد دلار به همراه آورد. این که اقتصاد آمریکا از هفت سال پیش در هر صدهای اصلی سکون داشته، در نظر گرفته نمی‌شود و این در حالی است که انستیتوهای اقتصادی آمریکا رشدی معادل ۲/۶ تا ۲/۸ درصد برای سال ۱۹۸۹ و کاهش رشد به سطح ۱/۵ تا ۱/۷ درصد برای سال ۱۹۹۰ پیش‌بینی کرده‌اند. کاهش رشد اقتصادی در سطح ۲/۵ تا ۲/۸ درصد به مفهوم کاهش درآمد مالیاتی به میزان ۶۰ میلیارد دلار است.

تاثیر چنین محاسباتی بر زندگی مردم آمریکا به روشنی آشکار می‌شود. کافی است در نظر بگیریم که در آغاز دوران ریاست جمهوری ریگان نیز همین سیاست در پیش گرفته شد و کار به جایی رسید که بودجه در نظر گرفته شده برای آشپزخانه‌های خیابانی که گرسنگان را تغذیه می‌کردند، قطع گردید. اکنون دولت بوش همین سیاست را بر ویرانه‌های ایجاد گشته توسط دولت ریگان در پیش گرفته است.

کمیسیون مالی مجلس نمایندگان آمریکا در "کتاب سبز" خود نتیجه گرفته است که فقیرترین‌ها در آمریکا طی سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۷ باز هم فقیرتر و ثروتمندان بازم

ثروتمندتر شده‌اند. این گزارش بیان می‌دارد: درآمد سالانه ۲۰ درصد از فقیرترین مردم از ۵۴۳۹ دلار به ۵۱۰۷ دلار کاهش یافته است. با در نظر گرفتن تورم این امر به معنای کاهش است به میزان ۱۱ درصد. درآمد سالانه ۲۰ درصد از ثروتمندترین مردم در سال ۱۹۸۷ به میزان ۶۸۵۸ دلار افزایش یافت و به سطح ۶۸۷۷۵ دلار رسید. این افزایش در سطح ۲۴ درصد است. زمان بررسی این امر طوری برگزیده شده که اقتصاد آمریکا در سطح بالایی رشد خود بوده است. در همین دوران فاصله میان فقیر و ثروتمند به ویژه افزایش پیدا کرد. در زمانی که بخش‌دگی‌های مالیاتی باعث سودهای کلان آنهایی شدند که بر فراز هرم نشسته بودند، این توده عظیم در پای هرم بودند که بار اصلی سیاست تسلیحاتی را بر دوش داشتند.

این بررسی برای اولین بار به طور رسمی تأیید می‌کند که میلیون‌ها نفر از شهروندان ایالات متحده با درآمدی بسیار کمتر از خانواده ۳ نفری زندگی می‌کنند. این سطح درآمد در سال ۱۹۸۷ رسماً به عنوان مرز فقر اعلام شده بود.

"کتاب سبز" کاهش بودجه‌های اجتماعی و هدم افزایش درآمدها را به عنوان اصلی‌ترین عامل فقر و فلاکت وسیع در آمریکا می‌شمارد. اعتیاد و ارتکاب جرایم جنایی در محله‌های فقیرنشین خود به سختی قابل کنترل و ثمره فقر است. از همه تکان دهنده‌تر سرنوشت کودکان در این محلات است.

کارشکنی عراق.....

بقیه از صفحه ۲
و آتش پس ۸ ماهه ادامه داد. وی افزود این واقعیت که وزرای خارجه دو کشور حاضر شده‌اند به ژنو بیایند نشان‌دهنده این موضوع است که طرفین مایلند اختلافات خود را از طریق مسالمت‌آمیز حل کنند و برای اجرا قرارداد ۵۹۸ سازمان ملل به توافق برسند. قبل از نشست بعد از ظهر روز پنجشنبه وزرای خارجه دو کشور ایران و عراق را خواهر پرز دو کوئینار دیدار و گفتگو کردند. بعد از پایان نخستین اجلاس از

چهارمین دور مذاکرات صلح ولایتی گفت: طرفین موافقت کردند که پیشرفت حاصله طی هفت ماهی که از آغاز آتش‌بس می‌گذرد کافی نبوده است. وی اضافه نمود که جو مذاکرات در دورکنونی از گذشته بهتراست و این در حالی است که آقای دو کوئینار اعلام کرد مذاکرات طرفین هنوز بطور غیرمستقیم صورت می‌گیرد و آنها هنوز به مسائل اساسی نپرداخته‌اند. طارق عزیز نیز در ژنو اعلام داشت: هنوز مذاکرات واقعی بین ایران و عراق آغاز نشده است. وی

حکومت اسلامی را مجدداً به کارشکنی و وقت‌گذرانی متهم ساخت. "الثوره" ارگان حزب بعث عراق نیز نوشت: سراسر "شفا تقریب" و اوردن در حاکمیت دولت عراق می‌باشد و پیرامون این واقعیت جای هیچگونه بحثی وجود ندارد. مطابق گزارش‌های دریافتی هیات کارشناسی عراق برای تقویت مواضع خود و کارشکنی در ادامه مذاکرات بر موقعیت داخلی در ایران و درگیری‌های جناح‌های حکومتی تأکید می‌کند. بطور مثال اعلام شد که چگونه می‌توان با وزیر امور خارجه‌ای که ممکن

است پس از بازگشت به تهران دستگیر شود مذاکره کرد. اشاره رفسنجانی در نماز جمعه تهران به این واقعیت که ولایتی مورد اعتماد صحنی است و مرجه او در مذاکرات صلح به صلاح تشخیص دهد می‌تواند امضاء کند، گویای این امر است. گفته میشود ادامه چنین روندی و بیان چنین نظریاتی از جانب طرفین منجر به هدم برگزاری دور دوم جلسات در روز جمعه شده و این جلسه به روز شنبه موکول گردیده است. خبرنگاران از بن بست کامل این دور از مذاکرات سخن می‌گویند.

۱۵ سال از انقلاب پرتقال گذشت

چنگال عناصر راست و ارتجاعی نشد. ساختارهای کهنه در دستگاه دولت و ارتش بر جای ماندند. "فاشیست‌های توبه‌کرده" اهرم‌های مهمی را در دست داشتند. در دستگاه قضایی هیچ‌گونه تغییری صورت نگرفت. نیروی انقلاب از یک سو موفق گردید حقوق دموکراتیک مردم را تضمین کند، در اینجا و آنجا ارگان‌های مردمی به وجود آورد و فاشیست‌ها را براند و با کمک نظامیان دمکرات صنایع کلیدی را ملی کند، اما ناپیگیری‌ها در هرصه اجرای واقعی آزادی‌های دمکراتیک، از جمله انتخابات برای تدوین قانون اساسی، زمینه را برای توقف انقلاب مهیا ساخت. بر زمینه این نیمه‌کاری‌ها نیروهای ارتجاعی امکان انسجام خود و حرکت در هرصه سیاسی را یافتند. حزب سوسیالیست سازش‌های خود از جمله نیروهایی بود که راه شکست انقلاب را فراهم ساخت. قطع همکاری با حزب کمونیست، به کارگیری عناصر ارتجاعی و در پیش‌گیری سیاست راست و برخلاف اهداف انقلاب، زمینه شکست انقلاب را فراهم آورد. ماریو سوارش در روزهای انقلاب با حرارت گفته بود: "تنها قدرت مهیار است!" ماریو سوارش که در آن روزها در حرف از سوسیالیسم و دمکراسی سخن می‌راند، اکنون تحت حاکمیت همه‌جانبه‌نیروهای راست بورژوازی قدرت را در دست دارد و رئیس‌جمهور دولت آن است.

خشونت شود.

در روزهای اخیر گرایش‌هایی در جهت آمادگی برای مذاکره از جانب زندانیان به وجود آمده است. دو نفر از آنها پس از ۷۳ روز به اعتصاب خود پایان دادند. دولت و احزاب راست‌گرا تغییری در سیاست فیرانسانی خود نداده‌اند. این سیاست اعتصاب فذای بای سندن زندانی سیاسی ایرلندی و موضع جنایتکارانه دولت انگلیس را به یاد می‌آورد که حاضر به پذیرش خواست او مبنی بر شناخته شدن به عنوان زندانی سیاسی نشد و با مرگ او نیز خم به ابرو نیاورد. اکنون زمینه برای مذاکره تنها در آن ایالت‌هایی که حزب سوسیال دمکرات حاکم است، آماده شده است. روند این مذاکرات و ادامه اعتصاب فذاهنوز روشن نیست.

روز ۲۵ آوریل سال ۱۹۷۴ جنبش توده‌ای پرتقال با حمایت وسیع نیروهای میهن‌پرست نظامی حکومت فاشیستی و استعمارگر این کشور را برانداخت، نیروهای دمکراتیک حکومت را در دست گرفتند. حکومت در آغاز انقلاب اقدامات قاطع دمکراتیک در هرصه‌های مختلف منجمله در هرصه اقتصادی انجام رساند که نیروهای راست و مرتجع تا امروز هم قادر به بازپس‌گیری همه آنها نشده‌اند. از همان روزهای نخست پس از انقلاب، بنا بر گرایش‌های طبقاتی متفاوت میان نیروهای شرکت‌کننده در انقلاب؛ حزب سوسیالیست، حزب کمونیست و بخش‌های مختلف جنبش نظامیان میهن‌پرست درگیری‌های حادی آغاز شد.

عناصر مرتجع در پست‌های کلیدی ارتش، دستگاه دولتی و حتی در رهبری حزب سوسیالیست حضور داشتند. رهبر حزب سوسیالیست، ماریو سوارش، وجود آنها را "ضامن دمکراسی و روند انقلابی" می‌نامید. تفرقه‌افکنی میان نیروهای دمکراتیک توسط همین عناصر از همان روزهای نخستین آغاز شد. آنها موفق به تخریب اتحاد میان سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها شدند.

نیروی انقلاب در آن حد بود که توانست سرمایه انحصاری در زمین داری بزرگ را براندازد. اما این انقلاب قادر به رهایی کشور از

اعتصاب فذا بود. زندانیان با این امر موافقت نکردند، برخواست خود مبنی بر زندگی در دو گروه پای فشردند. این هدم آمادگی زندانیان برای مذاکره خود دشواری در روند حل مشکل پدید آورد. هواداران "فراکسیون ارتش سرخ" تظاهرات بسیاری در شهرهای مختلف آلمان فدرال و در برلین غربی برپا کردند که با درگیری با پلیس همراه بود. بمب‌گذاری‌های متعدد در بانک‌ها، فروشگاه‌های دولتی با هدف اعلام همبستگی با زندانیان اعتصابی صورت گرفت. از سوی دیگر مرگ احتمالی یکی یا تعدادی از زندانیان می‌توانست باعث گسترش اعتراض علیه دولت و گسترش کاربرد

اعتصاب غذای زندانیان "فراکسیون ارتش سرخ"

"فراکسیون ارتش سرخ" اسلحه و پول می‌رسانده است.

اکنون در افکار عمومی آلمان فدرال، از پارلمان بن گرفته تا گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی بحث پیرامون اعتصاب غذا و خواست‌های زندانیان ادامه دارد.

اگر در ابتدا پیرامون حقانیت خواست‌های زندانیان نظر روشنی وجود نداشت، پس از مدتی این خواست‌ها حمایت طیف نیروهای دمکراتیک را جلب کرد. حزب سبزها، حزب کمونیست آلمان، اتحادیه ضد فاشیست‌ها، حزب سوسیال دمکرات آلمان،

جریان‌های طرفدار صلح و محیط زیست و بسیاری گروه‌ها و شخصیت‌ها از زاویه بشردوستانه خواستار مذاکره با زندانیان و تحقق خواست‌های آنان شدند. در آن سو نیروهای راست‌گرا چون حزب دمکرات مسیحی و حزب سوسیال مسیحی موضع گرفتند. استدلال راست‌گرایان و از جمله دولت حاکم این بود که زندگی

دسته جمعی و ایجاد امکان تماس میان این زندانیان آنها را در اهداف خود مصرتر می‌سازد. در همین حال امکان تماس و سازماندهی اقدام‌های تروریستی در خارج از زندان را نیز بیشتر می‌کند. تأکید نیروهای دمکرات و حامی خواست‌های زندانیان بر این بود که این زندگی دسته جمعی امکان تبادل نظر میان زندانیان و بحث سالم دمکراتیک را فراهم می‌کند و این زمینه‌ای برای دستیابی به نادرستی روش‌هایی است که آنها در مبارزه خود به کار گرفته‌اند. از سوی دیگر امکان تماس با یکدیگر، امکان زندگی در شرایط انسانی، امکان دستیابی به مطبوعات و سایر امکانات آموزشی حق اولیه انسان‌ها است و بر این اساس زندان افرادی پدیده‌ای خوش و فیرانسانی است.

مذاکرات طولانی میان نمایندگان ایالت‌ها، پارلمان و دولت فدرال به جایی نرسید. سرانجام حزب سوسیال دمکرات آلمان اعلام کرد در آن ایالت‌هایی که قدرت را در دست دارد، زندانیان "فراکسیون ارتش سرخ" به سلول‌های جمعی ۱۵ نفره انتقال خواهد داد. شرط حزب سوسیال دمکرات پایان‌یابی

اعتصاب غذای زندانیان "فراکسیون سرخ" که از حدود ۸۵ روز پیش آغاز شد هفته‌هاست که به مرکز توجه افکار عمومی آلمان فدرال تبدیل شده است. این زندانیان سیاسی که سال‌هاست در زندان‌های انفرادی به سر می‌برند، خواستار خروج از زندان انفرادی و زندگی با یکدیگر در دوسلول جمعی هستند. اعتصاب غذا ابتدا توسط دو زندانی شروع شد و پس از چند روز تعداد شرکت‌کنندگان افزایش پیدا کرد و به بیش از ۴۰ نفر رسید. اکنون تعدادی از زندانیان بیش از ۷۵ روز است که در اعتصاب به سر می‌برند. "فراکسیون ارتش سرخ" (RAF) پس از تلاش‌های گروه بادر ماینهوف توسط برخی از بازماندگان این گروه پدید آمد. این گروه هدف خود را "سرنگونی امپریالیسم آلمان از راه جنگ مسلحانه و ترور" اعلام کرد. اواخر سال‌های هفتاد و اوایل دهه هشتاد صحنه‌های فم‌انگیز و انزجارآور بمب‌گذاری‌ها و ترورهای این گروه در مهابر عمومی تأثیری منفی بر روندهای سیاسی آلمان فدرال برجای گذاشت. هدف ترورها سرمایه‌داران بزرگ به‌ویژه وابستگان انحصارات نظامی و شخصیت‌های دولتی بوده‌اند که همواره رهگذران و مردم نیز قربانی این ترورها قرار گرفته‌اند. اقداماتی چون تخریب راه‌های آهن که بارها به خروج قطارها از خط و خسارات مالی سنگین انجامیده است نیز از جمله اقدامات آنها بوده است.

پلیس و دادگستری آلمان فدرال نیز با خشونت بی‌حدی با فراکسیون ارتش مقابله کرده است. افراد این گروه همواره به زندان‌های دراز مدت، حبس انفرادی و زندگی در شرایط فیرانسانی محکوم شده‌اند. این در حالی است که محافل راست‌گرا چون حزب دمکرات مسیحی و حزب سوسیال مسیحی از ترورهای "فراکسیون ارتش سرخ" بیشترین استفاده را جهت پیشبرد اهداف ارتجاعی، تصویب قانونهای ضد دمکراتیک و محدودیت آزادی‌ها برده‌اند.

در اواسط دهه هفتاد فاش گردید که سازمان امنیتی آلمان فدرال خود از راه‌های فیرمستقیم به

بازگشت آرامش به

جمهوری شوروی گرجستان

بر اساس گزارش‌های مختلف آرامش در گرجستان برقرار شده است. وضع فوق‌العاده نظامی که پس از زدو خورد های دو هفته پیش در تفلیس اعلام شده بود، لغو شده است. خبرگزاری تاس گزارش داد که در تفلیس و سایر نقاط گرجستان ستادهایی برای "حفظ نظم" تشکیل شده‌اند که میبایست نمایندگانی از مردم در آنها حضور دارند.

ادوارد شوارتادزه، وزیر امور خارجه اتحاد شوروی که در گرجستان به سر می‌برد، در تلویزیون شوروی تحلیلی از اوضاع ارائه داد. او گفت در تفلیس ثبات اجتماعی و سیاسی برقرار شده و آرامش به زندگی مردم بازگشته است. کارخانه‌ها و موسسه‌های آموزشی کار خود را از سر گرفته‌اند.

شوارتادزه گفت: "مذاکره و گفتگو با دیپلمات‌های خارجی برای من به هیچ‌رو امری دشوار نیست ما بر این امر تسلط کامل داریم. اما به نظر می‌رسد ما هنوز به مذاکره با مردم خود احاطه نداریم. دیپلمات‌ها باید مردم خود را بشناسند. ما باید مدرسه تبادل نظر با خلق خود را از سر بگذرانیم. سرنوشت نوسازی، سرنوشت روند دموکراتیزه کردن و تحول در جامعه ما به این امر وابسته است. راه دیگری وجود ندارد. تمام آن چه در تفلیس گذشته است، پدیده‌ای فم‌انگیز برای مردم است. این امر زیانی عظیم هم برای نوسازی و هم برای روند دموکراتیزه کردن کشور ما بود."

افزایش دخالت خارجی در

افغانستان

شهر جلال‌آباد همچنان زیر آتشبار شدید ضدانقلابیون افغانی قرار دارد. دکتر نجیب‌الله رئیس‌جمهور افغانستان در مصاحبه‌ای با روزنامه "ایزوستیا" گفت که روزانه میان ۵۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ خمپاره به سوی شهر شلیک می‌شود. با این وجود مهاجمین قادر به تصرف شهر نشده‌اند. رئیس‌جمهور افغانستان اعلام داشت که دشمن نیروهایی نیز در اطراف کابل، هرات و قندهار متمرکز کرده‌است. او گفت دخالت خارجی و به‌ویژه شرکت نظامیان پاکستان در جنگ خطر گسترش درگیری‌ها و تبدیل آن به بحرانی منطقه‌ای را افزایش داده است.

میخائیل گارباجف در پاسخ به هیدل ولی خان رهبر حزب خلق پاکستان که از اتحاد شوروی خواستار تلاش برای پایان دادن به درگیری‌ها در افغانستان شده بود، گفت: "ما هم همچنان، تمام مساعی را به کار خواهیم برد تا خلق افغانستان امکان تعیین سرنوشت خود را در شرایط صلح و پشت میز مذاکره بیابد." گارباجف ادامه داد: "محافل معینی در پاکستان دخالت‌های خود را روز به روز افزایش می‌دهند. اما این راه به هیچ‌جا نخواهد انجامید. برای افغانستان راه حل نظامی وجود ندارد."

شدیدترین درگیری‌ها در ۱۴ سال اخیر در بیروت



درگیری‌های مسلحانه میان نیروهای ژنرال آئون که در بخش مسیحی نشین بیروت مستقر است با دروژی‌ها، نیروهای حزب سوسیالیست و اهل که در بخش غربی بیروت مستقر هستند با شدت تمام ادامه دارد. ژنرال آئون که خود را نخست‌وزیر لبنان نامیده است، تاکنون هرگونه میانجیگری و تلاش برای استقرار آتش‌بس را رد کرده است. زدو خورد های مسلحانه در بیروت تاکنون در طول ۱۴ سال جنگ داخلی در لبنان از نظر شدت بی‌سابقه بوده‌اند. هیچ خانه‌ای از آسیب مصون نمانده است و هزاران نفر شهر را ترک کرده‌اند.

در روز یکشنبه ۱۶ آوریل طرفین درگیری‌ها با فراخوان‌های متعدد موفق به برقراری آتش‌بس شدند. این آتش‌بس روز دوشنبه شکسته شد و نبردها از سر گرفته شدند. سلیم‌الحص نخست‌وزیر لبنان طی نامه‌ای به شیخ صباح‌احمد الصبا وزیر امور خارجه کویت که ریاست جامعه کشورهای عرب را برعهده دارد، خواستار دخالت در جهت پایان دادن به زدو خورد های خونین بیروت شد.

تظاهرات در پکن برای

اصلاحات دموکراتیک

جمعی از دانشجویان شهر شانگهای چین در روز چهارشنبه هفته گذشته بسوی محوطه دانشگاه شانگهای راهپیمایی کردند. آنها پوسترهایی از هویاو بانگ، دبیر کل سابق کمیته مرکزی حزب کمونیست چین که در روز شنبه گذشته فوت کرده بود، در دست داشتند. در پلاکاردهایی که توسط تظاهرکنندگان حمل می‌شد، آزادی بیان و مطبوعات و کنار نهادن ایده‌های اخلاقی خشک درخواست شده بود. هویاو بانگ به عنوان یک اصلاح‌طلب شهرت داشت.

در پکن نیز تظاهراتی از سوی دانشجویان جهت انجام اصلاحات دموکراتیک صورت پذیرفت. تظاهرات دانشجویان در مقابل دفتر کمیته مرکزی حزب کمونیست چین انجام گرفت. روز ۲۱ آوریل ۲۰۰۰۰۰ نفر از مردم پکن در میدان "صلح آسمانی" برای انجام اصلاحات دموکراتیک دست به تظاهرات زدند.

اعتراض سرخپوستان کانادا

سرخ‌پوستان کانادا به وسیله راهپیمایی‌ها، گردهمایی‌ها و اعتصاب غذاهای متعدد به اعتراض علیه سیاست دولت مبنی بر ایجاد محدودیتهای مالی در عرضه خدمات اجتماعی پرداختند. این اعتراضات از حدود یک ماه قبل آغاز شده است. حرکات سرخ‌پوستان در ایالات مختلف و در پایتخت بیش از همه بخاطر حذف برنامه‌های پرورشی برای ساکنان بومی کانادا بوده است. حذف این برنامه‌ها به وخامت بازهم بیشتر امکانات شغلی این مردم منجر خواهد شد. در حال حاضر ۳۷۰۰۰۰ سرخ‌پوست در کانادا زندگی می‌کنند. از میان آن بخشی از سرخ‌پوستان که قادر به کار هستند، تنها ۱۰ درصد دارای شغل می‌باشند.

محکومیت اسرائیل در مجمع عمومی سازمان ملل

چهل و سومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد که روز پنج‌شنبه ۱۹ آوریل تشکیل شد، اسرائیل را به علت رفتار وحشیانه در مناطق اشغالی محکوم کرد. اسرائیل از جمله بخاطر کاربرد اسلحه علیه غیرنظامیان و تظاهرکنندگان غیر مسلح محکوم شد. اقدامات تروریستی اشغالگران اسرائیلی هم چنان ادامه دارد. در شهر خان یونس هم‌زمان با اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد جوان ۱۷ ساله‌ای در یک تظاهرات توسط سربازان اسرائیلی کشته شد. در این شهر طی روزهای چهارشنبه ۱۸ آوریل تا جمعه ۲۰ آوریل ۴۰ نفر بر اثر اصابت گلوله زخمی شدند. تنها در نوار فرقه طی همین روزها ۳۰ نفر زخمی شدند. مجمع عمومی سازمان ملل از اسرائیل خواست توافق‌نامه ژنو پیرامون حفاظت از افراد غیر نظامی در شرایط جنگی را رعایت کند. این قطعنامه با ۱۲۹ رای موافق و مخالفت اسرائیل و آمریکا و رای ممتنع لیبی تصویب شد.

ناآرامی در اردن

در تعداد زیادی از شهرهای اردن سه‌شنبه هفته گذشته ناآرامی‌هایی بروز کرد. مردم در اعتراض به افزایش قیمت مواد سوختی و کالاهای مختلف که بین ۱۵ تا ۵۰ درصد گران شده‌اند و نیز افزایش هوارش آب و تلفن مبادرت به راهپیمایی کردند. معترضین به بانک‌ها و سایر اماکن دولتی هجوم بردند. دولت اردن که به وسیله صندوق بین‌المللی پول جهت بازپرداخت بدهی‌های خود تحت فشار قرار گرفته است، خود را مکلف به اتخاذ تدابیر محدودکننده دیده‌است. بدهی‌های خارجی اردن به ۳/۶ میلیارد دلار رسیده است.

۱۵ سال از انقلاب پرتقال گذشت

در صفحه ۱۰

۹۴ کشته در استادایوم فوتبال



در روز شنبه ۱۵ آوریل در مسابقه فوتبال میان لیورپول و ناتینگهام فارست بیش از سه هزار نفر که موفق به ورود به استادایوم جملو از جمعیت نشده بودند، به دروازه‌های بسته هجوم آوردند. تعدادی از کسانی که در پشت نرده‌ها ایستاده بودند، به میله‌ها فشار داده شده و جان خود را از دست دادند. پلیس برای جلوگیری از گسترش این وضع درها را گشود. هجوم ناگهانی چند هزار نفر به داخل استادایوم باعث ایجاد جو هیستریک و متشنجی در استادایوم شد. ۹۴ نفر بر اثر خراب شدن دیوارها و ماندن در زیر دست و پا کشته شدند. دولت انگلیس کمیسیون جت رسیدگی به این امر اختصاص داد. یکی از نمایندگان محافظه کار در این کمیسیون این حادثه را "افشاح همومی" نامید. افکار همومی انگلیس پلیس را به هلت گشودن دروازه‌ها متصرف این حادثه می‌داند.

در اوایل سال‌های هفتاد نیز ۶۶ نفر در حادثه مشابهی در استادایوم گلاسکو جان خود را از دست دادند. این حادثه بزرگ‌ترین اتفاق در تاریخ فوتبال اروپا به شمار می‌رود.

هفت روز فریاد

گزارشی از اعتصاب غذا در آتن در اعتراض به کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران

خلق و خوی انسانی‌شان صحبت می‌کردیم.

...صبح‌ها خیل مردم رهگذر، بیرون چادرها می‌ایستادند. پلاکاردها را می‌خواندند، عکس‌های فجایع رژیم، گورهای جمعی تکانه‌دهنده را نگاه می‌کردند و گاه ساعتی را به بحث درباره خمینی، فاجعه ملی اعدام‌های دسته‌جمعی می‌گذراندند، با ما ابراز همدردی و همبستگی می‌کردند و سند محکومیت رژیم دژخیم جمهوری اسلامی را امضا می‌کردند.

...یک روز زن مسنی آمد با عشق و شغف به خط فارسی، عکس‌ها و شعارها نگاه کرد و بعد گفت: ...در رگ‌های من خون شما جریان دارد... و بعد در چشم‌هایش اشک حلقه بست و دیگر نتوانست ادامه دهد.

...روز دیگر گروهی از آذری‌های آذربایجان شوروی آمدند. هرچه داشتند به رسم یادبود هدیه کردند. حتی یکی از آنها شال‌گردنش را هم باز کرد و به اعتصابیون هدیه داد. شب بعد همین گروه آمدند، سرودهای آذری خوانده و جمع‌مان را گرم‌تر کردند.

...عصر هفت روز ما در رسانه‌های گروهی یونان بازتاب یافت. هفت روز اعتصاب غذا، هفت روز افشاگری، هفت روز همبستگی... و هفت روز استحکام بیشتر رفاهت‌ها.

در شب برگزاری جشن سازمان در کنار جمعیت مشتاقی که برای مراسم هجدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان آمده بودند، باشعری که از سعید سلطانی‌پور خوانده شد، با آشنایی بیشتر با تاریخچه سازمان و با تماشای تئاتری که رفقایمان برپا کرده بودند، خستگی یک هفته فعالیت افشاگرانه و اعتصاب غذا را از تن به‌در کردیم.

مواداران سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در یونان در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی اعتصاب غذای هفت‌روزه موفقیت‌آمیزی را سازمان دادند. این اعتصاب غذا یک هفته پیش از برگزاری مراسم هجدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان آغاز شد و در روز برگزاری این مراسم در آتن پایان یافت. اعتصاب غذا با استقبال قابل‌توجهی از جانب ایرانیان مقیم آتن، شخصیت‌ها، سازمان‌ها و نیروهای انقلابی و دمکرات ایرانی و یونانی و سایر ملیت‌های مقیم آتن مواجه شد. خبر این حرکت اعتراضی در رسانه‌های یونان همراه با عکس‌هایی از آن بازتاب یافت. یکی از فرستنده‌های رادیویی یونان نیز با برگزارکنندگان اعتصاب غذا مصاحبه کرد. آنچه در زیر می‌خوانید بخشی از گزارشی است که یکی از رفقای شرکت‌کننده در این اعتصاب غذا برای ما فرستاده است.

"... با همکاری یکدیگر، در عرض یک ساعت چادرها، میز نشریه و کتاب، ضبط‌صوت و نوار، اعلامیه‌ها و بلندگوها و پارچه‌ها و پلاکاردهای شعار و... را آماده کردیم. محیط جلوی چادرها در عرض این هفت روز، هیچگاه خالی نماند. می‌آمدند و می‌رفتند، نشریه و کتاب می‌خریدند، می‌نشتند، گپ می‌زدند، کتاب می‌خواندند و... خیلی‌ها در بخش اعلامیه‌ها به ما کمک می‌کردند. و شب‌ها حضور کسانی که کیسه‌های خواب و پتویه آنها می‌آوردند، چادرهای ما را پراز جمعیت می‌کرد.

شب‌ها معمولاً تعدادمان حدود ۲۵ نفر بود. شعر و سرود می‌خواندیم. از خاطرات انقلاب تا موج خونین اعدام‌های اخیر سخن می‌گفتیم. از هریزان و آشنایانی که نامشان در اسامی شهدا بود، از زندگی آنها، از مبارزاتشان و از

AKSARIYAT
NO. 254
MONDAY, 24 Apr. 89

آدرس: Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA . WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع‌آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید

زنده باد صلح، زنده باد آزادی،

مرگ بر خمینی